

سپس موضع لا کاتوش را در مورد نسبی‌گرایی کوهن مورد مذاقه قرار داده است. در فصل دهم خطوط اصلی نگرشی به معرفت‌ترسیم شده است که از پاره‌های جهات مقابل نسبی‌گرایی می‌نشیند. این نگرش که آنرا عینی‌گرایی نامیده است. افراد و قضاوت‌هایشان را در مقام تحلیل معرفت از منزلت و موضع فوقانی برکنار می‌سازد. به زعم وی، با این دیدگاه می‌توان تبیین از تغییر نظریه‌ها ارائه داد که از جهات مهمی غیرنسبی‌گراییانه باشد، مع‌الوصف از انتقادهایی که نسبی‌گرایی چون فایریند علیه تبیین سنتی تغییر نظریه‌ها مطرح کرده‌اند مصون بماند. در فصل یازدهم چالمرز تبیین خود را از تغییر نظریه‌ها در فیزیک ارائه می‌کند. فصل دوازدهم زمینه‌ای برای ایجاد توافق با موضع فایریند علیه روش و بهره‌ای که از آن می‌برد، فراهم می‌کند. دو فصل واپسین کتاب، همانطور که خود نویسنده نیز خاطر نشان می‌سازد، دشوارتر می‌باشند. در این فصول به این مسأله پرداخته می‌شود که تا چه میزانی می‌توانیم نظریه‌هایمان را کاوشی برای توصیف‌های صادقی از جهان واقع بدانیم.

بطور کلی در فصول پایانی این کتاب چالمرز تلاش کرده است که نظریه مورد قبول خود را به علم رارائه نماید. وی منظور خود از طرح این نظریه را پیشرفت و اصلاح نظریه‌های پیشین خوانده و با تواضع علمی خود احتمال می‌دهد که این نظریه نیز دارای نواقص و مشکلاتی باشد و متواضعانه می‌گوید: «پرشان آغاز کردیم و پریشان‌تر به پایان رسیدیم.»

عده‌ای بر این باورند که این ترجمه گرایش‌های عربی داشته و بیشتر معادل‌هایش از زبان عربی به عاریت گرفته شده که این بنوبه خود موجب کندی فرایند درک مطلب، برای فارسی‌زبانان است. آنها واژه‌هایی همچون لاقیاست، متکیف و تفرض را که در ترجمه واژه‌های انگلیسی، Prejudic Incommen and adaptable, surability آمده‌اند، نمونه‌هایی برای تأیید این مطلب ذکر می‌نمایند. اما بنظر می‌رسد گرایش‌های عربی این ترجمه و موارد جزئی دیگری که وجود دارد لطمه چندانی به روانی ترجمه نرزد و آنرا از جرگه معدود ترجمه‌های مطمئن خارج نمی‌سازد. البته این مطلب را نیز باید خاطر نشان ساخت که مترجم در اصلاحی که در ویرایش دوم این ترجمه بعمل آورده تعدادی از این واژه‌های عربی را با واژه‌های فارسی جایگزین ساخته است.

چنانکه قبلاً ذکر گردید ترجمه حاضر از روی ویراست دوم کتاب انجام یافته است و همانطور که نویسنده در پیشگفتار ویراست دوم یادآوری کرده، ویراست دوم کتاب همراه با تغییرات بسیار زیادی بوده است؛ بطوریکه شش فصل کاملاً جدید نسبت به ویراست اول افزوده شده است.

اما بتازگی مطلع شدیم که ویراست سوم این کتاب نیز که با تغییرات زیادی همراه بوده اخیراً به چاپ رسیده است. تجدیدنظرهایی که چالمرز در این کتاب داشته موجب شده است فصل ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳ و ۱۴ بکلی حذف گردیده و شش فصل کاملاً جدید و دیگر جایگزین آنها شود. مطالب جدیدی که در ویراست سوم این کتاب مورد توجه قرار گرفته عبارتند از: رهیافت بیزگرایانه به علم، آزمایش‌گرایی جدید، ماهیت قوانین علمی و مباحث مربوط به رئالیسم و آنتی رئالیسم.

فصول (۲) جدید این کتاب عبارتند از:

فصل ۳ - آزمایش، فصل ۱۱ - تغییرات روشمند در روش، فصل ۱۲ - رهیافت بیزگرایانه، فصل ۱۳ - آزمایش‌گرایی جدید، فصل ۱۴ - دلیل تابعیت جهان از قوانین علمی چیست؟ و فصل ۱۵ - رئالیسم و آنتی رئالیسم.

امیدواریم که ویراست سوم این کتاب نیز هرچه زودتر به زبان فارسی ترجمه گردد. حتی شاید بهتر بود که بجای چاپ مجدد ترجمه ویراست دوم، ویراست جدید آن به چاپ می‌رسید. البته شاید زمانی که کارهای مقدمات چاپ مجدد شروع می‌شد هنوز ویراست دوم کتاب به بازار نیامده بود... در هر حال پویندگان علم و معرفت در انتظار ترجمه و چاپ ویراست دوم این کتاب خواهند ماند.

پانویسها:

[۱]- البته ترجمه دیگری از این کتاب توسط جناب آقای محمد مشایخی بعمل آمده است که توسط شرکت سهامی انتشار با عنوان «علم چیست؟» به چاپ رسیده است. ظاهراً این ترجمه از ترجمه فرانسوی این کتاب صورت گرفته است.

[۲]- کتاب دیگری که چالمرز در تألیف آن با دو مؤلف دیگر همکاری داشته عبارتست از:

- Practical Parallel Processing: An Introduction to Problem Solving in Parallel, by John Tidmus, Jonatha Tidmus, Alan F. chalmers
- 3- Table of Contents: Prefaces, Introduction, 1. Science and Knowledge Derived from the Facts of Experience 2. observation as Practical Intervention 3. Epreiment 4. Deriving Fact from Theories: Induction 5. Introducing Falsificationism 6. Sophisticated Falsificationism& Novel Predictions and the Growth of Knowledge 7. the Limitations of Falsificationiam 8. Theories as Structures I: kuhn's Paradigms 9. Theories as Structure II: Research Programs 10. Feyerabend's Anarchistic Theory of Science. 11. Methodical Changes in Method 12. The Bayesian Approach 13. The New Experimentatiam 14. Why should the world obey laws? 15. Realism and Antirealism. Bibliography. Index

مرگ و فلسفه

□Death and philosophy

Edited by J.E.Malpas, Murdoch university

Austrlia and Robert c. solomon , university

of Texas USA , 1999

مرگ و فلسفه، بسیج پرمایه، سرشار و گوناگونی از نگرشهای فلسفی، ادبی و زیباشناختی است که بر مضمون مرگ بارشده است. موضوعی که خاطر فیلسوفان را از زمان آگوستین تاکنون به خود مشغول ساخته و متفکران کلیدی و عمده‌ای چون نیچه، سارتر و هیدگر نیز از زمره این فیلسوفان‌اند. مرگ پرسشهای فلسفی مهم و فراوانی را برانگیخته که در مرگ و فلسفه بررسی شده‌اند.

از جمله این پرسشهاست که آیا زندگی تنها در برابر مرگ معنا می‌یابد یا به جای آن مرگ زندگی را بی‌معنا می‌سازد، آیا مرگ می‌تواند حکایتی باشد که به شیوه‌های گوناگون بازگو می‌شود؛ معنای زندگی پس از مرگ چه می‌تواند باشد و از رویکردهای فلسفی به مرگ در فرهنگهای مختلف، چه می‌توان آموخت.

بسیاری از این پرسشها اندیشه کردن به خصوصیات مرگ را در فلسفه سنتی غرب به چالش می‌خواند.

ژاک دریدا

Jacques Derrida

opening lines martian Hobson, 1998

این تحقیق ممتاز در مسأله زبان، خواندن روشنگرانه آثار دریدا را برای هرکس که فلسفه دریدا را مطالعه می‌کند یا با آن درگیر است، ممکن می‌سازد.

«هابسن هوشمندی چشمگیری در دریافت مضمون‌های اصلی عمیقاً بنیادین سنت آمیخته فلسفی ادبی نشان می‌دهد که دریدا در این مضامین و از طریق آنها حرف خود را می‌زند، مضمونهایی که به تاثیر خود در نوشته‌های او ادامه می‌دهند.»

نقل با تلخیص و تصرف از آن مونته‌فیور،

استاد ممتاز کالج بالیول، آکسفورد